

شکل شایسته و بایسته برنخواهد آمد و یا در صورت انجام، زیانش بیش از سود آن ارزیابی خواهد شد.

به سخن دیگر، اگر زنان بخواهند پاره‌ای از مسؤولیتهای جامعه را رها کنند، از پوشیدن لباس مقدس حجاب معاف هستند و می‌توانند در خانه بنشینند و به رسالت درون خانوادگی بسنده نمایند. البته این بدان معنا نیست که رها کردن مسؤولیت اجتماعی با خانه‌نشینی رابطه تنگاتنگی دارد، بلکه گریز از وظایف سنگین اجتماعی یک نوع بی‌تفاوتی نسبت به جامعه اسلامی به شمار می‌آید. مگر آنکه برای بانوی متمهدی یقین حاصل شود که جز خانه‌داری و تربیت فرزندان توان دیگری درخود نمی‌بیند. در این صورت معذور خواهد بود و احساس تکلیف او را گرفتار عذاب وجدان نخواهد کرد. ولی اگر توانایی و استعداد انجام کارهای مهم اجتماعی (ویژه بانوان) را داشته باشد، معذک خانهداری و تربیت فرزندان را بهانه قرار دهد و از زیر بار مسؤولیت شانه خالی کند، بی‌گمان جامعه او را نمی‌بخشد و به خاطر ترک واجب کفایی و احیاناً عینی در پیشگاه عدل الهی نیز مسؤول و معاقب است.

اینک در مقطع حساسی از زمان قرار داریم. علوم ودانش‌بشری روزبروز گسترده‌تر می‌شود و بانوان مسلمان باید همراه با تمدن و کاروان علم و دانش حرکت کنند و به هنگام ضرورت در تمام عرصه‌های علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی حضور فعال داشته باشند، همان‌گونه که زنان صدر اسلام در ضرورت‌های اجتماعی وارد صحنه‌های مختلف شده، و از کیان و موجودیت نظام اسلامی به دفاع می‌پرداختند. تاریخ گواهی می‌دهد که پس

فلسفه حجاب

حجت الاسلام والمسلمین

محمد باقر شریعتی

درباره حکمت حجاب اسلامی، هر متفکری نگرش خاصی داشته و با منطق ویژه‌ای از آن سخن گفته است. در این جهت مناسب دیدیم که دیدگاه‌های مختلف و دلایل گوناگون را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، تا هر کس بتواند حکمت مورد توجه و معقول خود را دریافت نماید. باشد که نوامیس امت اسلامی از شر تهاجم فرهنگی در بعد حجاب مصون ماند.

حجاب و مسؤولیتهای اجتماعی

بعضی از اندیشمندان اسلامی بر این باورند که بخشی از مسؤولیتهای اجتماعی بانوان فقط در پرتو رعایت حجاب امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، اگر زن به پوشش اسلامی مجهز شود می‌تواند برخی از وظایف اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد، ولی اگر حجاب را کنار بگذارد، از عهده انجام آن تکالیف به

از شکست مسلمانها در جنگ احد و فرار بعضی از سربازان، هفتاد تن از بانوان رشید و

باایمان به رهبری حضرت زهرا سلام الله علیها به سوی میدان احد آمدند و با تقبیح فراریان و تشجیع مسلمانان و انجام فعالیتهای وسیع خود از رسول اکرم دفاع نمودند.^۱

برخی از مورخان نوشته‌اند که پس از خاتمه یافتن جنگ احد، عایشه همسر پیامبر با گروهی از بانوان به هنگام بازدید از منطقهٔ نبرد دیدند که همسر "عمرو بن جموح" ابدان سه شهید را با شتر حمل می‌کند. پرسیدند اینها کیانند؟ او با کمال خونسردی جواب داد: "بدن شوهرم عمر، برادرم عبدالله و پسرم خالد است که به مدینه می‌برم تا در قبرستان بقیع دفن نمایم." این شیرزن از اینکه در این جنگ به پیامبر (ص) آسیبی نرسیده بود، اظهار خرسندی می‌کرد.

نمونهٔ دیگر از زنان فداکار "نسیبهٔ جراحه" است که همواره در جنگها به منظور مداوای مجروحان جنگ شرکت می‌کرد. وی در جنگ احد وقتی احساس کرد که پیامبر در مخاطره قرار گرفته تیر و کمان خود را برداشت و با کفار و مشرکان به نبرد پرداخت. در بحبوحهٔ جنگ زه کمانش پاره شد و او به فوریت موهای خود را با وسیله‌ای قطع کرد و به عنوان زه کمان از آن استفاده نمود و این در حالی است که مو در سرزن از مهمترین عوامل زیبایی است، اما در برابر عقیده و جهاد فی سبیل الله اهمیتی ندارد و این بانوی فداکار با این عمل قهرمانانه درسی آموزنده و خاطره‌ای جاودانه برای همهٔ مجاهدان راه خدا بالاخص زنان مسلمان به یادگار گذاشت. عمل این زن بیانگر حضور فعال خانمها در ضرورتهای نظامی و اجتماعی است و بی‌جهت نیست که در قرآن کریم از شکنجه و آزار مردان و زنان مسلمان به گونهٔ مساوی یاد شده است و بدیهی است که اگر بانوان صدر





اسلام نقشی در مسائل سیاسی، نظامی و جهاد و پیکار نداشتند، قطعاً با این لحن و آهنگ از آن سخن به میان نمی‌آمد.

قرآن مجید دربارهٔ بانوان مسلمان می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (سورهٔ بروج، آیه ۱۰) - آنان که مردان و زنان مؤمن را شکنجه داده‌اند و سپس توبه نکرده‌اند، بدون شک عذاب جهنم و آتش سوزان در انتظار آنها خواهد بود. از مضمون این آیه چنین برمی‌آید که زنان صدر اسلام همچون مردان در صحنهٔ مشکلات اجتماعی امت مسلمان حضور فعال داشتند و از حجاب برای انجام بهینهٔ مسؤولیتهای اجتماعی استفاده می‌کردند، زیرا اگر منهای حجاب به این نوع کارهای مهم می‌پرداختند، بدون شک از کمیت و کیفیت کارشان کاسته می‌شد.

ممکن است زنان در طی انجام رسالتهای

اجتماعی خود طعمهٔ زانان و کرسنان بوالهوس قرار گیرند و آلودگیهای اخلاقی پیداکنند و اگر شخصاً محفوظ بمانند، باعث آلودگی روحی دیگران شوند و نتوانند کار خداپسندانهای را انجام دهند. به علاوه در مسیر فعالیتهای اجتماعی بانوان، موانع بسیار و گردنه‌های بی‌شماری وجود دارد که اگر در سنگر پوشش قرار نگیرند، رفع موانع و هموار ساختن عقبه‌ها مستلزم صرف اوقات گرانبهاست؛ مضافاً براینکه عمل از هر جهت باید صالح و شایسته و مطابق با دستور باشد. به عبارت دیگر کمیت اعمال به تنهایی ارزش ندارد، بلکه کیفیت و پاکی عمل می‌تواند صلاحیت آن را تضمین نماید. لذا ما معتقدیم که اگر حجاب و فرهنگ آن از حیات اجتماعی حذف شود به یقین از کیف و کم کارها کاسته می‌شود. آمار دقیق نشان می‌دهد که بازدهی کارهای زنان بی‌حجاب و نمرات محصلان مدارس مختلط به مراتب کمتر

اسلام نقشی در مسائل سیاسی، نظامی و جهاد و پیکار نداشتند، قطعاً با این لحن و آهنگ از آن سخن به میان نمی‌آمد.

قرآن مجید دربارهٔ بانوان مسلمان می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (سورهٔ بروج، آیه ۱۰) - آنان که مردان و زنان مؤمن را شکنجه داده‌اند و سپس توبه نکرده‌اند، بدون شک عذاب جهنم و آتش سوزان در انتظار آنها خواهد بود. از مضمون این آیه چنین برمی‌آید که زنان صدر اسلام همچون مردان در صحنهٔ مشکلات اجتماعی امت مسلمان حضور فعال داشتند و از حجاب برای انجام بهینهٔ مسؤولیتهای اجتماعی استفاده می‌کردند، زیرا اگر منهای حجاب به این نوع کارهای مهم می‌پرداختند، بدون شک از کمیت و کیفیت کارشان کاسته می‌شد.

ممکن است زنان در طی انجام رسالتهای

پرداخته، از مجالستها و گفت‌وگوهای غیر ضروری با جنس مخالف پرهیز می‌کردند و می‌توانستند به قله‌های رفیع علم و دانش و فضیلت صعود نمایند و به قول معروف آنچه اندر و هم ناید، آن شوند.

در هر صورت هیچ اندیشمند با انصافی نمی‌تواند این حقایق روشن را انکار نماید. چگونه می‌شود واقیعت‌ها را نادیده گرفت، در حالی که همه می‌دانند حتی برای دانش‌آموزان دختر که در مقاطع راهنمایی و دبیرستان تحصیل می‌کنند گاه اتفاق می‌افتد که در محبت ورزیدن به دبیران خود راه افراط را می‌پیمایند و در صورت عدم علاقه متقابل آنان، دچار سرخوردگی و اختلالات روحی و روانی می‌شوند. این کششها و کوششها نسبت به جنس مخالف به مراتب بیشتر و خطرناکتر خواهد بود تا آنجا که در مغرب زمین منجر به روابط جنسی و در مشرق زمین سر به رسوایی می‌زند. این حوادث تلخ حتی در کشورهای اسلامی نیز کم و بیش اتفاق می‌افتد.

امروز در جمهوری اسلامی ایران به دلیل کمبود و حالت اضطرار، از دبیران مرد با فضیلت در مراکز آموزشی استفاده می‌شود، لیکن رعایت حجاب اسلامی و مراقبتهای شدید مسئولان، حاکمیت تقوا و فرهنگ اسلامی در مدارس و از همه مهمتر پاکی و تقوای دبیران و محصلان باعث شده که به ندرت چنین رویدادهایی رخ دهد. اما در غرب که آزادی در شهوات و معاشرت‌ها به گونه مطلق وجود دارد، ثمرات تلخ آن بر هیچ کس پوشیده نیست.

از بانوان محجبه و دانش‌آموزانی است که در مدارس مستقل درس می‌خوانند. "آزمونی که در آلمان غربی از دوازده هزار نفر دانش‌آموز دختر و پسر به عمل آمد نشان داد که مدارس مختلط زیان‌بخش می‌باشد."

باید توجه داشت که هدف، صرفاً کسب تخصص در علوم مختلف نیست، بلکه مقصود، داشتن تخصص توأم با تعهدات دینی و اخلاقی است. آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که چرا بانوان کمتر به مراتب بالای علمی می‌رسند و یا همچون مردان معروفیت جهانی پیدا نمی‌کنند؟ پاسخ این سؤال روشن است، زیرا یک دختر از اوان تحصیلات مقدماتی تا مراحل دانشگاهی پیوسته در معرض خطرهای گوناگون اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. آزادی در معاشرت، برقراری روابط ناسالم با دیگران و ناهنجاریهای جامعه معضلات ناخواسته زیادی برای بانوان جوان ایجاد می‌کند که هر کدام به نوبه خود می‌توانند در افت تحصیلی، سقوط اخلاقی و اختلالات روحی آنان نقش مؤثری داشته باشد و باعث رکود و توقف آنها در تحصیل شود. اگر بعضاً بانوانی هم با عدم رعایت موازین حجاب به جایی رسیده باشند، اولاً اینها معدود زنانی هستند که از خطرها جسته‌اند و درثانی ممکن است این گروه از بانوان به گونه‌ای به فرهنگ حجاب بای بند بوده و خود را از گزند معاشرت‌ها حفظ کرده باشند. بدیهی است که اگر این گونه زنان با توجه به نبوغ و استعداد درخشانی که داشتند به معیارهای واقعی پوشش ظاهری هم ملتزم می‌شدند به موفقیت‌های چشمگیرتری دست پیدا می‌کردند، زیرا در این صورت فارغ‌البتال‌تر و با خاطری آسوده‌تر به تحصیل و تحقیق

حجاب در نگاه و کلام

آیا می‌دانید که چرا قرآن کریم بانوان را از "تبرج" و سخن گفتن با آهنگ نرم و دل‌انگیز نهی کرده و نیز آنان را از محکم زدن پاها بر زمین منع فرموده است؟ همه اینها به خاطر پاسداری از حریم عفت و تقواست، زیرا این اعمال موجب جلب توجه مردان فرصت طلب و کسانی که گرفتار سادیسم جنسی شده‌اند، می‌گردد. تمام ارتباطات نامشروع و مفاسد اخلاقی از همین مسائل آغاز می‌شود و به فرجام پست و غم‌انگیز کشیده می‌شود. از این رو بانوان باید موجبات تهییج و تحریک را فراهم نکنند که دستاوردهای آن جز تباهی جامعه و فساد جوانان چیز دیگری نخواهد بود.

"تبرج" به مفهوم خودنمایی، عشوه‌گری و طنزایی؛ در حضور زنان با وقار و متین، جلفی و سبک مغزی تلقی می‌شود و در برابر مردان اجنبی، معانی خاص خود را پیدا می‌کند که فلم از نوشتن آن شرم دارد. در جامعه‌ای که فرهنگ بی‌حجابی و بی‌بندوباری در آن حکومت می‌کند، عشوه‌گریها تدریجاً فراگیر می‌شود و از محیط خانوادگی به مراکز تعلیم و تربیت و ادارات سرایت می‌نماید. معاشرتهای آزاد و تماسهای مکرر ایجاب می‌کند که فرهنگ اسلامی و ملی به تدریج محو شود و فرهنگ غربی، آن هم در جنبه‌های منفی و مبتذل، رخ بنماید. روشن است که آنان فرمولهای علمی و اسرار صنعتی خود را به ما نمی‌آموزند، بلکه مفاسد فرهنگی خود را به کشورهای دیگر صادر می‌کنند و همواره از این رهگذر حمله و هجمه خود را به ملت‌های اسلامی آغاز کرده و

می‌کنند که تا حدودی هم در این راه موفق شده‌اند. اینکه گفته می‌شود "خواهرم حجاب تو سنگر است"، یا "حجاب مصونیت است، نه محدودیت" و یا "متانت و وقار زن در حفظ حجاب است"، صرفاً در حد شعار نیست، بلکه حجاب زن به ضمیمه فرهنگ آن می‌تواند سنگری پولادین و سپر حفاظتی و امنیتی بسیار جالبی برای جامعه زنان در برابر این نوع تهاجمات دشمن باشد.

به طور کلی طنزایی و غمازی، گفتار مهیج و لطیف در محدوده خانواده و برای همسر و فرزندان مناسب است و اگر از مرزهای مشروع تجاوز کند، اولین ضربه را خود خانواده دریافت خواهد کرد.

پروین اعتصامی شاعر و نکته‌پرداز شهیر از قربانیان فرهنگ غرب بود. وی زندگی زناشویی ناموفق و چهارماهه خود را چنین بازگو می‌کند: "شوهرم هر شب بساط عیش و نوش را با همپالگی‌های خود می‌گسترانید. او به موازین دینی و خانوادگی بی‌اعتنا بود و نماز و روزه، دعا و نیایش با خدا برای او مفهومی نداشت. استفاده از شراب و تریاک و معاشرتهای کذابی با عناصر فاسد، اغلب شبها تکرار می‌شد و من که در محیط مذهب و فرهنگ راستین پرورش یافته بودم در میان حیاط خانه قدم می‌زدم تا عیاشیها و میخوارگیهای آنان به پایان برسد. اواخر شب درو پنجره‌ها را باز می‌کردم تا بوی گند شراب و تریاک از فضای اطاق بیرون رود. و بدین ترتیب پس از چهارماه درگیری و بگومگو از او جدا شدم."^{۲۲}

آری این است ره‌آوردهای تمدن غرب که بعضی از افراد آرزویش را دارند.



در خواهیم یافت که حجاب محصور کردن و اسارت زن نیست، بلکه به مثابه مسلح و مجهز ساختن بانوان به زره حفاظتی برای ورود به میدانهای مبارزات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه است.

- ۱- فاطمة الزهرا بهجت قلب المرتضی
- ۲- گزینة اشعار پروین، به مناسبت سالگرد درگذشت او، جلالی بندری، صفحه ۱۳

بنابراین بی‌حجابی و بدحجابی به زندگی خانوادگی و حیات اجتماعی لطمه وارد می‌کند و چنین زنی نه می‌تواند همسری شایسته برای شوهر و مادری صالح برای فرزندان باشد، و نه یک عنصر مفید برای جامعه، زیرا رسالت‌های اجتماعی مورد انتظار از بانوان جز در پرتو پوشش اسلامی نمی‌تواند به نحو بایسته انجام گیرد.

اگر با این چشم به حجاب اسلامی بنگریم